

پژوهشی تطبیقی در باب مبنای مسئولیت مدنی ورزشکاران (در مقابل یکدیگر)

همایون رضایی نژاد*

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس

امیر حسین رضایی نژاد

دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۶/۳۱ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۵/۲/۲۱)

چکیده

شناسایی مسئول آسیب‌ها در یک حادثه ورزشی با دشواری‌های متعددی روبرو است که می‌توان آن‌ها را ناشی از شناسایی نشدن مبنای مسئولیت ورزشکاران در خصوص این حوادث دانست. برای یافتن این مبنا نخست باید قلمرو موضوعی (تعریف حادثه ورزشی) و مفهومی تقصیر (قواعد حاکم بر آن) را بشناسیم و سپس بیان ویژگی‌های یک فعالیت ورزشی ضروری خواهد بود. این ویژگی‌ها که به‌طور کلی می‌توان آن‌ها را در دو عنوان «دکترین خطرهای ذاتی» و «دکترین (نظریه) پذیرش خطر» خلاصه کرد، بیشترین نقش را در شناسایی مبنای مسئولیت در حوادث ورزشی دارد. نگارندگان با بررسی و تحلیل آرای دادگاه‌های بیگانه و حقوق موضوعه ایران، بر این باورند که مبنای مسئولیت مدنی ورزشکاران در مقابل یکدیگر در حقوق خارجی مبتنی بر تقصیر است و نقض قواعد بازی به‌خودی خود به‌منزله تقصیر نیست. در حقوق ایران، مسئولیت مدنی ورزشکاران در مقابل یکدیگر مبتنی بر نظریه قابلیت استناد است.

واژگان کلیدی

دکترین پذیرش خطر، دکترین خطرهای ذاتی، قلمرو مفهومی تقصیر، قلمرو موضوعی تقصیر، مبنای مسئولیت.

۱. مقدمه

حقوق مسئولیت مدنی به سرعت در مسیر فربه شدن قرار گرفته است. این گسترش حقوق مسئولیت مدنی با انشقاق بخش‌هایی از آن، به نضج‌گیری نظام‌های خاص جزئی‌تر و با قابلیت بررسی متمرکز و دقیق‌تر انجامیده است. با این همه، قواعد این شاخه از حقوق در برخی موارد چنان منعطف می‌شوند که از کنار بعضی خسارت‌ها بدون جبران می‌گذرند. در واقع، برخی فعالیت‌ها در ساحت اجتماع که سرآمد آن‌ها را باید فعالیت ورزشی دانست، از یک سو، همواره آسیب‌ها را در خود دارند و از سوی دیگر چنان ارزش اجتماعی و اخلاقی و البته امروزه مالی، پیدا کرده‌اند که قواعد مسئولیت را به انطباق با خود وادار می‌سازند تا حقوق مسئولیت مدنی از شعار جبران همه خسارت‌ها دست بکشد. آری فعالیت ورزشی چنان با صدمه و آسیب آمیخته است که تنها راه گریز از آن خانه‌نشینی است و از این رو، حقوق یا باید انجام آن‌ها را اجازه بدهد یا به طور کل ممنوع سازد. ممنوعیت به دلایلی که گفته شد ناممکن است، پس باید راه دوم را برگزید. راه اخیر نیز تنها مسئله خطرهای ذاتی را ندارد، بلکه در هر دعوایی که راجع به مسئولیت ورزشی مطرح شود، خواننده به پذیرش خطر از سوی زیان‌دیده متوسل می‌شود و این خود به پیچیدگی مسائل می‌افزاید. به این ترتیب، قواعد مسئولیت مدنی در زمینه حوادث ورزشی بنابه مقتضیات پیش‌گفته باید انعطاف‌پذیر باشند تا این گفته ساوینی که حقوق رخدادها را در برابر خود خم می‌کند و خود در برابر آن‌ها خم نمی‌شود اینجا تا اندازه‌ای وارونه شود. این تحقیق از بین موضوعات متعدد ناشی از فعالیت ورزشی که ممکن است مشمول قواعد مسئولیت مدنی شوند، صرفاً به آسیب‌های بدنی ورزشکاران و مسئولیت آن‌ها در برابر هم می‌پردازد و در پی پاسخ به این پرسش‌هاست: مسئولیت مدنی ورزشکاران در مقابل یکدیگر بر چه مبنایی استوار است؟ چنانچه مسئولیت مدنی ورزشکاران در مقابل یکدیگر مبتنی بر تقصیر باشد، معیار چنین تقصیری چیست و آیا نقض قواعد بازی به‌تنهایی برای تحقق مسئولیت کافی است؟ پذیرش خطر از ناحیه ورزشکاران چه تأثیری بر مسئولیت مدنی بازیکن واردکننده زیان دارد؟

در حقوق ایران، این‌گونه پرسش‌ها تاکنون به‌طور مستقل مطرح نشده و تعیین موضع قواعد عمومی مسئولیت به آن‌ها مستلزم بررسی دقیق موضوع است.

۲. مفهوم و ماهیت تقصیر ورزشی

وصف «ورزشی» حادثه در این نوشتار به‌طور کلی بحث از «تقصیر» را به دو حوزه، محدود و مشخص می‌کند: نخست اینکه به لحاظ موضوع تقصیر در پی تشخیص «حادثه ورزشی» هستیم

و دوم آنکه با توجه به ویژگی‌های ممتاز این حوادث، معیار و به دیگر سخن، «مفهوم تقصیر» قلمرویی غیر از قواعد عمومی می‌یابد.

۲.۱. قلمرو موضوعی تقصیر ورزشی

یکی از دشواری‌های بحث دربارهٔ مسؤلیت مدنی در ورزش تعیین مرزهای ورزش و به عبارتی تعریف حادثهٔ ورزشی است. به‌طور خلاصه، حادثهٔ ورزشی حادثه‌ای است که در جریان عملیاتی که عرف موجود آن را ورزشی توصیف می‌کند و در اثر آن، یکی از افراد درگیر (اعم از بازیکن، تماشاگر یا ثالث) دچار آسیب می‌شود. به اختصار باید چنین گفت که عرف بین‌المللی، ورزشی یا غیرورزشی بودن فعالیت را تعیین می‌کند؛ مگر آنکه فعالیت برخلاف نظم عمومی یا اخلاق حسنه باشد.^۱ نکتهٔ مهمی که در این تعریف نهفته است، بحث زمان و مکان ورزش است. زمان در ورزش، محدوده یا مدت زمانی دانسته شده که «مطابق مقررات آن ورزش فعالیت ورزشی مورد نظر باید در همان محدوده صورت پذیرد» و مکان ورزشی نیز مکانی مجاز برای انجام ورزش برابر مقررات آن ورزش معرفی شده است (احسنی افروز، ۱۳۹۱، ص ۷۸-۷۷). به‌نظر می‌رسد از آنجا که علت عمده و به دیگر سخن، مهم‌ترین ویژگی‌های مسؤلیت ورزشی را خطرهای ذاتی و پذیرش خطر در این نوع فعالیت تشکیل می‌دهد، تفاوتی نمی‌کند که محل انجام ورزش، مخصوص آن ورزش باشد یا برای آن مناسب بوده، یا آنکه زمان بازی رعایت شده باشد یا خیر. بنابراین اگر برای مثال عده‌ای در کوچه‌ای مشغول بازی فوتبال باشند و یکی از آن‌ها در جریان بازی آسیب ببیند، به‌هیچ‌وجه نمی‌توان به صرف اینکه کوچه محل بازی نیست، واردکنندهٔ زیان را مسئول دانست؛ زیرا در بازی داخل کوچه نیز طرفین خطر آن‌را می‌پذیرند.^۲ نکتهٔ دیگر اینکه زمان تمرین نیز زمان ورزش شمرده می‌شود؛

۱. عملیات ورزشی این‌گونه نیز تعریف شده است: «... به مجموعه‌ای از فعالیت‌های بدنی چه فردی و چه گروهی اطلاق می‌شود که هدف آن دستیابی به موفقیت بر اساس توقعات هریک از رشته‌های ورزشی است» (اردبیلی، محمد (۱۳۹۴)، حقوق جزای عمومی، ج اول، ص ۲۸۱). از ایرادات این تعریف می‌گذریم، اما در خصوص تأثیر عرف می‌توان تردید کرد؛ برای نمونه راجع به اینکه آیا کشتی حرفه‌ای (professional wrestling) که با نام کشتی کج (یا کشتی کج) در ایران شناخته می‌شود، مصداق عملیات ورزشی است یا نه. اگر این کشتی را ورزشی خشن و ترویج‌دهندهٔ خشونت تلقی کنیم، بی‌شک باید آن را فعالیتی غیرورزشی بدانیم. پیداست که توضیح و تشریح این عرف در حوصلهٔ این نوشتار نیست؛ در اینجا به همین معیار کلی بسنده می‌کنیم.

۲. دیوان عالی کالیفرنیا در دعوی معروف به (Nalwa v. Cedar Fair (L.P. (2011) 196 cal.APP.4th 566)، دکترین پذیرش خطر ذاتی را [که در ادامه از آن سخن خواهیم گفت] افزون بر فعالیت‌های ورزشی، دربارهٔ فعالیت‌های تفریحی (Recreational Activities) نیز قابل اعمال دانسته است. با این وصف باید پذیرفت که آنچه حادثه را ورزشی توصیف می‌کند، ذات عملیات است، نه رقابتی و مسابقه‌ای بودن آن. از سوی دیگر، بدیهی است مقصود از رعایت نشدن زمان بازی، ادامهٔ آن پس از مدتی است که قوانین بازی تعیین کرده‌اند؛ ایراد صدمه به حریف پس از اعلام پایان بازی از این بحث خروج موضوعی دارد و تابع قواعد عمومی خواهد بود. بنابراین اگر برای نمونه دو تیم فوتبال ۱۴۰ دقیقه بازی کنند، افزایش ۵۰

برای نمونه در دعوی King V. Redlich، آسیب‌های وارد شده به ورزشکار هنگام گرم کردن نیز مشمول قواعد حاکم بر حادثه ورزشی دانسته شده است.^۱ دیگر اینکه اگرچه این نظر که ضربه وارد شده پس از پایان مدت قانونی مسئولیت‌آور است (احسنی فروز، همان، ص ۷۹-۷۸)، باید توجه داشت ضربه‌ای که چند لحظه پس از سوت پایان بازی زده می‌شود، می‌تواند با مسامحه جزء بازی تلقی شود.^۲ بنابر آنچه گفته شد، اینکه ورزش یا ورزشکاری حرفه‌ای^۳ باشد یا غیرحرفه‌ای تأثیری از حیث توصیف حادثه تحت عنوان «حادثه ورزشی» نخواهد داشت؛ اگرچه این دوگونگی در تحلیل نهایی راجع به احراز بی‌احتیاطی یا تقصیر ورزشی (توصیف تقصیر ورزشی) تأثیرگذار خواهد بود.

با اینکه روابط بین اشخاص متعدد درگیر در یک فعالیت ورزشی ممکن است قراردادی باشد، روابط میان ورزشکاران با یکدیگر غیرقراردادی است و گاهی اجتماع مسئولیت‌های اشخاص مختلف در حادثه‌ای واحد مشکل‌آفرین خواهد شد؛ هرچند برخی توصیفات از وضعیت یک ورزشکار ممکن است در خصوص مسئولیت ورزشکار پای اشخاص دیگری را نیز به میان آورد؛ برای مثال، آیا ورزشکاران کارگر محسوب می‌شوند یا خیر (Epstein, 2011, p. 128) و در این صورت مسئولیت کارفرما چگونه است و به همین ترتیب وضعیت بیمه‌گر؟ برای رفع این ابهام تأکید می‌کنیم که در این نوشتار راجع به مبنای مسئولیت ورزشکار و نحوه تحقق آن سخن می‌گوییم، نه مسئول احتمالی جبران خسارت و نحوه جبران آن. لازم به توضیح است که علل مسئولیت در مسئولیت ورزشی اصولاً با عللی که در قواعد عمومی مسئولیت مدنی یافت می‌شود، تفاوتی ندارد. در واقع اگر مسئولیت مدنی را به معنای خاص آن

دقیقه‌ای حادثه را غیرورزشی نمی‌کند. به این ترتیب، صرف افزایش مدت بازی به فراتر از زمان متعارف یک ورزش از سوی طرفین نمی‌تواند تقصیر تلقی شود. همچنین است در خصوص زمین بازی با این تفاوت که بازی در زمین غیرمتعارف بر مسئولیت ورزشکاران از حیث رعایت حدود متعارف حرکات تأثیر می‌گذارد. بسکتبال در یک زمین سنگلاخی اقتضا دارد که هنگام پرش حریف، بازیکن مقابل کنترل بیشتری بر حرکات خود داشته باشد.

۱. در این دعوا دادگاه پژوهش British Columbia چنین استدلال کرد که «خواهان خطر صدمه را در همه اوضاع و احوال پذیرفته و شوتهای تمرینی در حین گرم کردن [نیز] بخش عادی از بازی است» King V. Rellich {1986} 4WWR 567. در حقوق فرانسه نیز مسئولیت ناشی از خسارات هنگام تمرین همانند مسئولیت راجع به خسارات در حین انجام مسابقه دانسته شده است (Cass. Plen, 29 mars 1991: Bull.civ n 1).

۲. در دعوی mckichan V. St. Louis Hockey club دادگاه پژوهش در قسمتی از استدلال خود در فسخ رأی دادگاه نخستین می‌آورد که «.. به طور خلاصه، در یافتیم که رفتار خاص مورد بحث در این دعوا، تماس بدنی، جزئی از [ورزش] هاکی حرفه‌ای است. این تماس بدنی، حتی ثانیه‌هایی بعد از صدای سوت و یا با نقض چندین قاعده بازی، خارج از محدوده انتظارات معقول نیست» (mckichan V. St. Louis Hockey club L.P.967 S.W.2d (209)(mo.ct.App.1998)).

3. Professional Sports

مسئولیتی بدانیم که مطابق قانون برعهده شخص برای جبران خسارت دیگران قرار می‌گیرد (بادینی، ۱۳۸۴، ص ۳۲) و یا آنچه با عنوان Tort در کامن‌لا با تعریف^۱ «خطای مدنی که به موجب آن زیان دیده می‌تواند جبران خسارات خود را بخواهد» (Edwards, 2009, p.4) به چشم می‌خورد، عوامل مسئولیت، چه خطاهای عمدی (شامل هجوم^۲، ضربه زدن^۳ و غیره) و چه بی‌احتیاطی^۴ در کامن‌لا (Op.cit, p.13) و یا جرم^۵ و شبه‌جرم^۶ و به‌طور کلی تقصیر در حقوق فرانسه (carbonnier, 2000, p.401 et 402) و مباحث مربوط به مباشرت و تسبیب در حقوق ایران، آن‌گونه که در قواعد عمومی مسئولیت مدنی مطرح می‌شود در مسئولیت مدنی ورزشی نیز یافت می‌گردد؛^۷ اگرچه تحلیل‌هایی که از این مسائل به‌ویژه در حوزه خطا و تقصیر و بی‌احتیاطی ورزشی می‌شود، ممکن است به آن‌ها رنگ دیگری بدهد. به این ترتیب، همان‌گونه که برای مثال در کامن‌لا (Battery) می‌تواند موجب مسئولیت ورزشی شود^۸، در حقوق فرانسه نیز که به‌ندرت وجود قصد را برای مسئولیت لازم می‌داند (Dam, 2006, p.185 van)، چنین رأی داده می‌شود که انجام عملی که در جریان صعود در ورزش کوهنوردی موجب افتادن دیگری شود، می‌تواند به مفهوم ماده ۱۳۸۲ ق.م. تقصیر باشد^۹.

در خصوص اینکه اصولاً بر یک حادثه ورزشی چه قواعدی حاکم است، برخی «مقررات ورزشی» را مجموعه شرایط تنظیم‌شده از سوی فدراسیون‌ها، هیئت‌ها و امثال آن‌ها و یا مقررات غیرمدون حاکم بر ورزش‌های بومی که بدون تأیید حاکمیت عرفاً مقبول واقع شده‌اند، دانسته‌اند و بارزترین این مقررات آن‌هایی شمرده می‌شوند که ناظر بر خطاهای ورزشی هستند (آقای‌نیا، ۱۳۹۱، ص ۳۴-۳۳). دیگران قوانین ورزشی را به دو دسته قواعد بازی، و قواعد وضع‌شده برای ایمنی بازیکنان و پرهیز از خشونت تقسیم کرده‌اند و بیان داشته‌اند: «حقوق مسئولیت

1. civil wrong
2. Assault
3. Battery
5. Negligence
5. Delit
6. Quasi delit

۷. از لزوم مجازات رفتار به لحاظ اجتماعی نامعقول و جبران خسارت زیان‌دیده به‌عنوان ریسمان مشترک پیونددهنده بیشتر انواع مسئولیت مدنی نام برده شده است:

The common thread interweaving most torts is the notion that socially unreasonable conduct should be penalized and those who are its victims should be compensated (Edwaeds:2009:5).

۸. در دعوی Rudy Tomjanovich V. California sports Inc. 1979. حکم هیئت منصفه در خصوص جبران خسارت واردشده به یک بازیکن بسکتبال که در جریان یک مسابقه آسیب دیده بود، بر این استدلال استوار شد که خوانده در جریان مسابقه ضربه وارد کرده است:

«Washington hay, committed a battery and..» (Reschly, 1996, p.6)

۹. جز در مواردی محدود مانند سوءاستفاده از حق.

10. civ. 2 , 18 mai 2000:Bull.civ.II n 85

مدنی به گروه دوم علاقه دارد و به مطالعه و تعیین ارزش آن‌ها می‌پردازد...» (کاتوزیان، ۱۳۸۲، ص ۴۰۳). به همین تمایز با عبارت «قواعد وضع شده برای حمایت از بازیکنان^۱» و «قواعد وضع شده برای بهبود بازی^۲» در جای دیگر اشاره شده است (Healey, 2005, p.101). به نظر و به طور خلاصه می‌توان قواعد حاکم بر یک فعالیت ورزشی را شامل این موارد دانست: نخست، قواعد حاکم بر زمان و مکان بازی و سایر شرایط لازم برای برگزاری یک بازی؛ دوم، قواعد راجع به خطاهای ورزشی؛ سوم، عرف‌های بین‌المللی و داخلی درباره ورزش و چهارم قوانین موضوعه ملی (نخستین قواعد راجع به مسئولیت مدنی)^۳. میان این قواعد و عرف‌ها چنان پیوندی وجود دارد که نمی‌توان گفت حقوق فقط با یک دسته از آن‌ها سروکار دارد. برای نمونه، چنان‌که گفتیم، زمان و مکان بازی در تعیین اینکه فعالیت ورزشی و به تبع آن حادثه ورزشی چیست، نقش مهمی دارد و این زمان و مکان را هم قواعد حاکم بر بازی تعیین می‌کند.^۴

۲.۲. قلمرو مفهومی تقصیر ورزشی

۲.۲.۱. حقوق بیگانه

در هر دعوی مطالبه خسارت ناشی از حادثه ورزشی، خواهان باید خود را آماده مقابله با دفاع خطرهای ذاتی و پذیرش خطر سازد. او تنها در صورت غلبه بر این دو پیروز خواهد شد. یکی از راه‌های غلبه، اثبات ناآگاهی وی از خطر است. گذشته از این، پرسشی که مطرح می‌شود این است که آیا اگر خواهان بتواند نقض قواعد بازی از سوی خواننده را اثبات کند، همین برای مسئول شناختن خواننده کافی است؟ آرای متعددی وجود دارد که به این پرسش پاسخ می‌دهد؛

1. Rules made for the protection of players

2. Rules made to improve the game

۳. در بیشتر کشورها، چه کشورهای حوزه کامن‌لا و چه نظام حقوقی رومی-ژرمنی، تمایل عمومی دادگاه‌ها بر این است که تانجا که ممکن است از دخالت در اختلافات ورزشی پرهیز کنند و حل و فصل این منازعات را به داوری یا سایر شیوه‌های حل اختلاف بسپارند (Blackshaw, 2009, p.6 and al). در دعوی *Harding V. united states figure skating Association* دادگاه بخش فدرال چنین نظر داده است که دخالت دادگاه در اختلافات ورزشی زمانی مناسب است که شرایطی غیرعادی وجود داشته باشد؛ برای مثال، خسارتی جبران‌ناپذیر به خواهان وارد شده، خواهان همه راه‌های ممکن را طی کرده باشد (851 F supp 14 76, {1994}).

۴. بحث از اینکه چه قواعدی بر مسائل ورزشی حکومت می‌کنند، مناقشه پایانیافته استقلال یا عدم استقلال حقوق ورزشی را پیش می‌کشد. در مجموع در این مسئله سه دیدگاه کلی وجود دارد: نخست، دیدگاه سنتی که معتقد است بخش مستقلی به نام حقوق ورزشی وجود ندارد و حقوق ورزشی چیزی نیست جز ترکیبی از حوزه‌های مختلف حقوقی که با ورزش در ارتباط هستند. دوم، نگاه میانه است که باوجود پذیرش نبود بخش مستقلی به نام حقوق ورزشی، وضعیت به‌گونه‌ای است که در آینده چنین استقلالی محقق خواهد شد. نگاه سوم متعلق به کسانی است که معتقدند هم‌اکنون بخش مستقلی یا شاخه مستقلی از حقوق به نام حقوق ورزشی وجود دارد (Davis, 2001, p.212 and al).

دیوان عالی کشور فرانسه چنین نظر داده است: دروازه‌بانی که برای گرفتن توپ به سمت بازیکن حریف می‌رود و زانوی او را مجروح می‌سازد، اگرچه با ضربه پنالتی جریمه می‌شود، اما این عمل غیرعمد مسؤولیت مرتکب را به‌همراه ندارد؛^۱ همچنین رأی داده شده است که پرتاب نادرست توپ از سوی بازیکن تنیس برخلاف قواعد بازی موجب مسؤولیت او نخواهد شد.^۲ در دعوی Ray V. Canadian Oldtimers Hockey Association که در آن دو بازیکن هاکی هنگام بازی با یکدیگر برخورد کردند، دادگاه بیان داشت که برای تشخیص مسؤولیت باید رفتار یک انسان معقول در نظر گرفته شود. نقض قواعد بازی اگرچه یکی از عناصر تعیین‌کننده در این خصوص است، اما ضرورتاً تعیین‌کننده آن نیست.^۳ این رأی تأیید می‌کند که برخورد میان دو بازیکن حتی اگر عامدانه و مستوجب جریمه پنالتی هم باشد، از آنجا که قابل انتظار بوده است، موجب مسؤولیت خوانده نمی‌شود (Fast, op.cit, p.12). در دعوی معروف *condon* V. Basi^۴ که در نهایت به محکومیت خوانده منجر گردید، از رأی دادگاه چنین استنباط شده است که در ورزش‌های تماسی مانند فوتبال و راگبی، عمل خوانده در صورتی موجب مسؤولیت می‌شود که ثابت شود خارج از قواعد بازی^۵ بوده است و از این رو، صرف نقض قواعد بازی^۶ اگرچه برای اثبات مسؤولیت لازم است، اما کافی نیست (Bellof and. op.cit, p.114). دعوی دیگری که در آن به این موضوع اشاره شده، دعوی *shelly V. step* است که در آن دادگاه پژوهش چنین وضع قاعده کرد: کسانی که با اسب مسابقه تمرین می‌کنند، خطر آسیب‌های ذاتی چنین فعالیت بالقوه خطرناکی را پذیرفته‌اند؛ حتی اگر آسیب در نتیجه بی‌احتیاطی اسب‌سوار رخ داده باشد.^۷ دعوی دیگری که در آن ضمن پیوند میان خطر ذاتی و نقض قواعد بازی، صرف این نقض را کافی برای تعقیب ناقض ندانسته، دعوی *Mckichan v. ST Hockey club* است. در این دعوا، دادگاه پژوهش تماس بدنی را جزئی از بازی هاکی تلقی کرده، بیان داشته است در تماس بدنی حتی اگر با نقض، چندین قاعده بازی هم صورت گرفته باشد، چون خارج از انتظارات معقول نیست، ضمان‌آور نخواهد بود.^۸

1. cass.civ.2eme 21 juin 1979, Bull.civ II, n 196

2. civ. 2 20 nov 1968: Bull.civ II n 277

3. {1997} B.C.J No262 (Q.L)(C.A)

4. {1985} 1 WLR 866

برای مطالعه تحلیلی درباره این رأی با بیان استدلال‌های دفاعی خواننده و نقد آن‌ها، ر.ک.

C.Geary. Tort: liability for injuries incurred during sports and pastimes, the cambridge law Journal Vol 44 No.3 (Nov.1985) PP.371-373.

5. Outside the rules of the game.

6. Breach of the rules of the game.

7. 73 cal. Rptr.26 323(cal.ct.APP.1998)

8. L.P 967 S.W 26 209(mo.ct.APP.1998)

اما اگر صرف نقض قواعد بازی کافی نیست، پس چه معیاری برای مسئول شناختن یک بازیکن در فعالیت ورزشی وجود دارد؟ استقرا در آرای دادگاه‌ها ما را به معیارهای گوناگونی می‌رساند. در رأی اخیر دیدیم که قابل انتظار نبودن خطر، معیار مسئولیت است. در تعدادی، معیار بی‌توجهی به امنیت خواهان به‌عنوان معیار مسئولیت محرز شده است؛ با این توضیح که اگر عمل خوانده با بی‌دقتی نسبت به امنیت خواهان صورت نگرفته باشد، مسئولیتی متوجه او نخواهد شد.^۱ در برخی دیگر نیز به بی‌توجهی عامدانه یا با آگاهی به‌عنوان معیار مسئولیت توجه شده است.^۲ در خصوص قاعده مربوط به امنیت گفته شده است که دادگاه‌ها از این قاعده برای ترسیم مرز قانونی یا غیرقانونی بودن رفتار ورزشکاران در ورزش‌هایی مانند فوتبال استفاده می‌کنند؛ بر این اساس رفتار یک بازیکن اگر با عمد یا بی‌دقتی نسبت به امنیت دیگر بازیکنان باشد، مسئولیت‌آور خواهد بود (Wong, 2010, p.107).

رفتار معقول و متعارف، معیار دیگری است که برای احراز مسئولیت خوانده در یک دعوای مسئولیت مدنی ورزشی ارائه شده است. تشخیص بی‌احتیاطی به این بستگی دارد که آیا خوانده همانند یک انسان متعارف و معقول رفتار کرده است یا خیر (Healey, 2005, p.102)؛^۳ خروج از قواعد بازی را که در دعوای *condon V. Basi* به آن اشاره شد نیز باید از دیگر معیارهای احراز مسئولیت برشمرد؛ بر این اساس، باید میان نقض قواعد بازی و خروج از این قواعد فرق گذاشت و تنها رفتارهای خارج از قاعده را ضامن‌آور دانست. نکته مهم در این خصوص این است که معیار تفکیک این دو در واقع مرکز ثقل بحث یعنی احراز تقصیر ورزشی است.

1. *Gauvin V. clark* 537 N.E.2694(mass.1989)

2. *Thompson V. park River Corporation*,830 N.E2d 1252 (ohio.ct.APP.2005)

در این دعوای پس‌ریجه‌ای ۸ ساله در استخر شنا پس‌ریجه‌ای را هل داد، زخمی می‌کند. دادگاه چنین رأی داد که در یک فعالیت ورزشی تفریحی مانند شنا، شرکت‌کنندگان تنها در صورتی مسئول شناخته می‌شوند که با عمد یا بی‌دقتی اقدام کرده باشند و در این دعوای «شیطنت کودکان» (*childish prank*) موجب خسارت شده و حادثه در چنین شرایطی رخ نداده است و مسئولیت‌آور نخواهد بود. معیار انسان متعارف از جمله در دعوای *Roy V.canadian oldtimers Hockey Association* نیز که به آن اشاره شده، مورد توجه قرار گرفته است.

۳. در دعوای *Frazer V. Johnston* یکی از دو سوارکار حرفه‌ای اسب خود را تحریک می‌کند تا به‌طور خطرناکی به اسب سوارکار دیگر نزدیک شود که در اثر این امر خواهان از اسب می‌افتد و آسیب می‌بیند. دادگاه اقدام خواهان را بر اساس معیار یک انسان متعارف در همان اوضاع و احوال سنجیده و در نهایت محکوم کرده است (1989.Aust Torts Reports 80- (248).

- در دعوای *Unruh V. Webber*، دادگاه تجدیدنظر خوانده را که در یک بازی هاکی از پشت به خواهان نزدیک شده و با او برخورد کرده بود، اگرچه عمدی در ایراد صدمه نداشته است، اما به این دلیل که یک رقیب معقول به خواهان از پشت ضربه نمی‌زند محکوم کرده است (*{1994} B.C.J.No 464 (Q.L)(C.A)*).

اما هریک از این معیارها که پذیرفته شود، ناگزیر قاضی باید در پی اوضاع و احوال و به دیگر سخن، عناصری باشد که در احراز این معیار وی را یاری دهند. از جمله این معیارها می‌توان به این‌ها اشاره کرد: مهارت داشتن یا نداشتن بازیکن (Lapoubl, op.cit, p.180)؛ تماسی یا غیرتماسی بودن ورزش؛ اینکه حادثه در زمان هیجان و عصبانیت رخ داده یا زمان آرام بازی؛ سطح خطرهای ذاتی ورزش موردبحث (Bwloff, of.cit, p.114-115)؛ سن و ویژگی‌های بازیکنان؛ آگاهی آنان از قواعد و عرف بازی؛ حرفه‌ای یا آماتور بودن آن‌ها؛ نوع خطرهایی که ذاتی بازی هستند و جذابیت بازی (mckichan V. St louis Hockey club). در بحث ما که سخن بر سر مسؤلیت ورزشکاران در برابر یکدیگر است، وجود خطرهای متقابل آشکار است؛ از این رو، اشاره به نظریه تقابل خطر^۱ جورج فلچر، که در مطالعات نظری راجع به مسؤلیت مدنی معروف است، خالی از فایده نیست. برابر این نظریه، در صورتی که خطری که دو یا چند نفر یا اعضای گروه برای هم دارند از لحاظ نوع و میزان متقابل باشد، مسؤلیت مبتنی بر تقصیر است، در غیر این صورت مبنای مسؤلیت تقصیر نیست (بادینی، ۱۳۸۴، ص ۲۷۸). مطالعه آنچه در ادامه می‌آید، ناقص بودن این معیارها را نشان می‌دهد.

۲.۲.۲. حقوق ایران (نظریه قابلیت استناد)

الف) موارد مسؤلیت بدون تقصیر

تا اینجا روشن شده که مقصود ما از خسارت (و جبران آن) آسیب‌های بدنی است. خسارات ناشی از آسیب‌های بدنی نیز چنان‌که می‌دانیم در قوانین موضوعه ایران با عنوان دیه تعریف می‌شود.^۲ از سوی دیگر مطابق ماده ۴۵۰ قانون مجازات اسلامی^۳ ۱۳۹۲ ش، موارد پرداخت دیه، جنایات شبه عمدی، خطای محض و یا جنایات عمدی است.^۴ به این ترتیب، علل مسؤلیت در حادثه ورزشی چیزی جدا از علل مسؤلیت در سایر حوزه‌ها نیست؛^۵ به‌خصوص اینکه در زمینه حوادث ورزشی مقرر و ویژه‌ای به علت خاصی برای تحقق مسؤلیت ورزشی اشاره نکرده

1. Reciprocity of risk.

۲. ماده ۴۴۸ ق.م.ا. ۱۳۹۲ ش: «دیه مقدر، مال معینی است که در شرع مقدس به سبب جنایت غیرعمدی بر نفس، عضو یا منفعت، یا جنایت عمدی در مواردی که به هر جهتی قصاص ندارد، مقرر شده است».

۳. از این پس به جای قانون مجازات اسلامی می‌نویسیم: ق.م.ا.

۴. ماده ۴۵۰ ق.م.ا. ۱۳۹۲ ش: «در جنایت شبه عمدی، خطای محض و جنایت عمدی که قصاص در آن جایز یا ممکن نیست، در صورت درخواست مجنی‌علیه یا ولی دم دیه پرداخت می‌شود مگر به نحو دیگری مصالحه شود».

۵. در واقع، علت مسؤلیت یکی از سه‌گانه عمدی، شبه عمدی یا خطای محض خواهد بود، اما در حادثه ورزشی می‌خواهیم ببینیم چه ویژگی خاصی در قرار دادن مسؤلیت زیر یکی از این عناوین تأثیر می‌گذارد. این سه‌گانه را که علت می‌نامیم، در واقع توصیف قانونی عمل از منظر قانونی است که در هر عملیاتی وجود دارد، اما اینکه حادثه ورزشی چگونه زیر یکی از این عناوین قرار می‌گیرد، خود بحثی جداگانه و در اینجا مورد نظر ما است. پیداست که مهم قرار گرفتن (حادثه ورزشی) زیر یکی از این عناوین برای ایجاد مسؤلیت است و باید دید که حادثه ورزشی چگونه در یکی از این سه می‌گنجد.

است. با وجود قرارگرفتن دیه در شمار مجازات‌ها، ماده ۴۵۲ ق.م.ا. ۱۳۹۲ش تصریح کرده است که دیه احکام و آثار مسئولیت مدنی و ضمان را دارد و بنابر قاعده کلی هر عملی که موجب ضرر به دیگری شود، با احراز شرایط لازم، ضمان آور خواهد بود. این قاعده‌گذاری در باب خسارات بدنی مختص حقوق ایران است و شناسایی مسئولیت برای ورزشکاران به صرف اثبات رابطه سببیت بین فعل زیان‌بار (منتسب به) یک ورزشکار و آسیب وارده به دیگری، اگرچه مطابق قواعد عام راجع به ثبوت دیه ممکن می‌نماید، اما این رابطه علیت و اصل عام مسئولیت ناشی از آن در حادثه ورزشی به همین سادگی اعمال نمی‌شود؛ توضیح آنکه آسیب‌های بدنی ناشی از فعالیت ورزشی خصوصیت دارد و در واقع مطابق تحلیل‌هایی که ارائه کردیم، شرکت در حادثه ورزشی و پذیرش صدماتی که در این رهگذر ممکن است نتیجه طبیعی یک فعالیت ورزشی باشد، نباید با عیار دیه و رابطه ساده علیت (بین فعل ورزشی و آسیب بدنی) سنجیده شود. حقیقت این است که آسیب‌های ناشی از فعالیت ورزشی تابع قواعد خاص خود است و رابطه علیت در این گونه آسیب‌ها نه با قاعده عام حاکم در ثبوت دیه (عمد، شبه عمد و خطای محض) که تنها رابطه مستقیم^۲ بین آسیب بدنی و فعل ورزشکار را مورد نظر دارد، بلکه با معیار قابلیت انتساب، که البته با توجه به مواد قانون مجازات اسلامی با مباشرت تفاوت کامل دارد، (موضوع بخش بعدی نوشتار) ارزیابی می‌شود.

(ب) نقش تقصیر

به نظر می‌رسد موضع صریح حقوق موضوعه ایران راجع به حوادث ورزشی، نقطه عزیمت مناسبی برای پی بردن به نقش تقصیر در مسئولیت ورزشی باشد. مطابق آخرین تحولات در حقوق موضوعه، بند ث ماده ۱۵۸ ق.م.ا. ۱۳۹۲ش بر حوادث ورزشی حاکم است: «علاوه بر موارد مذکور در مواد قبل، ارتکاب رفتاری که طبق قانون جرم محسوب می‌شود، در موارد زیر قابل مجازات نیست:

الف-... ب-... ث: عملیات ورزشی و حوادث ناشی از آن، مشروط بر اینکه سبب حوادث، نقض مقررات مربوط به آن ورزش نباشد و این مقررات هم مغایر موازین شرعی نباشد».

۱. در اینجا طرح بحث‌های دامنه‌دار ماهیت دیه مورد نظر نیست. دیه از این نظر مجازات نامیده شد، چون قانون به آن تصریح دارد. مقصود توجیه قانونی پرداختن به حادثه ورزشی بر اساس قواعد ضمان در ق.م.ا. و سایر قوانین موضوعه است.
 ۲. آن قواعد اگرچه در اصل تعیین علل یا به دیگر سخن، نوع مسئولیت مهم و اساسی هستند، درباره ماهیت فعالیتی که به آسیب می‌انجامد، به کار نمی‌آیند و از این نظر نمی‌توانند در تحلیل نهایی برای پاسخ به پرسش اصلی کمکی بکنند.

نخستین پرسشی که باید به آن پرداخت این است که آیا قاعدهٔ اخیر مفهوم مخالف دارد و می‌توان بر این اساس نتیجه گرفت که آسیب‌های ناشی از نقض مقررات ورزشی مسؤلیت‌آور است؟ برخی بر این عقیده‌اند که اگر حادثهٔ ورزشی در نتیجهٔ خطای ورزشکار رخ داده باشد، مسؤلیت قانونی کامل آن برعهدهٔ او قرار خواهد گرفت و با چنین شخصی همانند یک مجرم عادی که در خارج از زمین ورزش مرتکب جرم شده است، برخورد خواهد شد؛ به‌علاوه پیش‌بینی نشدن یک حرکت به‌عنوان خطا در مقررات ورزشی به معنای خطا نبودن آن عمل نیست (آقای‌نیا، ۱۳۹۲، ص ۳۶-۳۵ و ۱۳۷۸، ص ۳۲-۳۱). به‌نظر می‌رسد مادهٔ ۱۵۸ ق.م.ا. تنها در مقام بیان این نکته است که اگر در جریان یک فعالیت ورزشی صدمه‌ای به بازیکن وارد شود، درحالی که مقررات ورزشی نیز رعایت شده باشد، مسؤلیتی ایجاد نخواهد شد؛ درواقع چنان‌که می‌دانیم قواعد حاکم بر بازی، در اینجا قواعد ناظر بر خطاها، طیف گسترده‌ای از فعل و ترک فعل‌ها را دربر می‌گیرد؛ برای نمونه قانون ۱۲ فیفا دربارهٔ انواع خطاها و رفتارهای نادرست است. بر اساس این بخش، برخی رفتارها مانند رفتار غیرورزشی^۱ مستوجب کارت زرد است. ازجمله رفتارهای غیرورزشی باید به بدون ملاحظه تکل کردن^۲ اشاره کرد. از سوی دیگر حرکاتی مانند رفتار خشن^۳ مستلزم اخراج بازیکن با دریافت کارت قرمز است. حال آیا می‌توان شخصی را که بی‌ملاحظه تکل می‌زند و در اثر آن بازیکنی مصدوم می‌شود، مانند کسی دانست که با خشونت تکل می‌زند و پای دیگری را می‌شکنند؟! به‌نظر می‌رسد پاسخ مثبت عادلانه نباشد. درست است که در مسؤلیت مدنی هدف مجازات مقصر نیست، اما از آنجا که معیار مسؤلیت در قوانین موضوعه نقض مقررات پیش‌گفته است، به حکم عقل باید نوع مقررهای که نقض می‌شود در احراز مسؤلیت مؤثر باشد. برای توجیه عدم لزوم کفایت نقض مقررات برای مسؤلیت می‌توان این‌گونه نیز استدلال کرد که گذاشتن تکلیف مراقبتی سنگین بر دوش ورزشکار همیشه او را در ترس و واهمه از مسؤلیت قرار می‌دهد: «بازیکن بادقت، یک بازیکن خسته است و به‌ندرت پیروز می‌شود» (Gearty, op. civ, p.373). از سوی دیگر، مسئول شناختن بازیکنان به دلیل نقض یک قاعدهٔ سادهٔ ورزشی، دروازهٔ طرح دعوا را به روی حوادث بی‌شماری که روزانه در فعالیت‌های ورزشی رخ می‌دهد، خواهد گشود. به این ترتیب، میدان ورزش نه میدان مبارزهٔ ورزشی ورزشکاران، بلکه صحن علنی دادگاه برای حل و فصل دعاوی مسؤلیت خواهد بود.^۴ لذا این مقررهای تنها بیانگر پذیرش «دکترین خطر ذاتی» در حقوق ایران

1. Unsporting behaviour

2. Reckless Tackle

3. Violent conduct

۴. ممکن است ایراد شود که برداشت مضیقی از تفصیر ورزشی با جایگاه کنونی در حقوق مسؤلیت مدنی سازگاری ندارد. امروزه تفصیر از قالب گناه مقصر خارج شده و هدف مسؤلیت مدنی جبران خسارات زیان‌دیده است و نه مجازات مرتکب

ایران است^۱ و از این رو نمی‌توان بر اساس مفهوم مخالف آن ایراد صدمه در نتیجه نقض قواعد بازی را ضمان‌آور دانست.^۲

به این ترتیب در فرضی که آسیب در نتیجه نقض مقررات ورزشی به وجود می‌آید باید به سراغ مقررات عام مسئولیت رفت. چنان‌که می‌دانیم مسئولیت مدنی در حقوق ایران اصولاً بر تقصیر استوار شده است و کمتر کسی در این خصوص تردید دارد. در آغاز امر به نظر می‌رسد که با تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ش در این زمینه تحولی رخ داده و مبنای مسئولیت از «تقصیر» به «قابلیت استناد» تغییر یافته است. در ماده ۴۹۲ این قانون می‌خوانیم: «جنایت در صورتی موجب قصاص یا دیه است که نتیجه حاصله مستند به رفتار مرتکب باشد اعم از آنکه به نحو مباشرت یا به تسبیب یا به اجتماع آن‌ها انجام شود». اگر این تحول پذیرفته شود، در حادثه ورزشی باید به دنبال احراز «استناد» بود و نه «تقصیر». در مقابل، چنانچه مسئولیت پرداخت دیه را مسئولیتی «کیفری» بدانیم، در اینجا که بحث بر سر آسیب‌های غیر عمدی است، می‌توان استدلال کرد که برابر ماده ۱۴۵ همان قانون: «تحقق جرائم غیر عمدی منوط به احراز تقصیر مرتکب است...» و لذا مبنای مسئولیت ورزشکار را باید همانا تقصیر او دانست و نه صرف قابلیت استناد؛ همچنان که مقررات قانون مدنی و مسئولیت مدنی نیز نقش برجسته تقصیر را تأیید می‌کنند. همچنین می‌توان گفت قابلیت استناد امری مربوط به رابطه علیت و غیر از تقصیر است و از این رو میان دو ماده پیش‌گفته تعارضی دیده نمی‌شود، بلکه هریک مربوط به دو عنصر جداگانه از مسئولیت هستند. در این خصوص می‌توان اضافه کرد گذشته از آنکه «کیفری» بودن مسئولیت پرداخت دیه می‌تواند مناقشه‌برانگیز باشد، ابتدای مسئولیت ورزشی بر تقصیر نیز عرصه را برای اعمال دکترین پذیرش خطر تنگ نمی‌کند، بلکه تقصیر را می‌توان در

(کاتوزیان، ۱۳۸۸، ص ۲۰۰)؛ تحدید دامنه‌ی تقصیر می‌تواند به بلاجبران ماندن برخی خسارت‌ها بینجامد. در پاسخ باید گفت که بحث در اینجا بر سر فعالیت است که هم مرتکب و هم زیان‌دیده خود آزادانه خطرهای آن فعالیت را پذیرفته‌اند. این بحث نسبت به بحث احراز تقصیر پیش‌بینی است و لذا ایراد فوق در واقع مصادره به مطلوب است. تقصیر را مفروض می‌انگارد و بر این اساس استدلال می‌کند؛ درحالی که اینجا اصولاً سخن بر سر تقصیر است.

۱. بر این اساس به نظر می‌رسد، دست‌کم تنها برابر ماده ۱۵۸، این نظر را که دکترین پذیرش خطر نیز از مبانی جرم‌زدایی در حوادث ورزشی است (کاتوزیان، همان، ص ۳۹۶؛ محمدزاده رهنی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۲)، نمی‌توان پذیرفت.

۲. می‌دانیم که حوادث ورزشی در حقوق کیفری از علل موجهه جرم محسوب می‌شوند (گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۴)، بایسته‌های حقوق جزای عمومی (۳۱-۲-۱)، ص ۱۳۸) و نه علل رافع مسئولیت کیفری؛ از این رو ضمانتی هم در پی ندارند. آن‌چنان که به‌درستی اشاره کرده‌اند، قانون‌گذار با بیان عبارت «قابل مجازات نیست»، در تفکیک علل موجهه جرم از علل رافع مسئولیت تردید ایجاد کرده است (شمس ناتری، محمدابراهیم (۱۳۹۲)، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، ص ۴۱۴). البته این تردید در اصل تفکیک خللی وارد نخواهد کرد. در حقوق جزای عمومی نیز از خسارت ناشی از حوادث ورزشی ذیل عنوان تأثیر رضایت مجنی‌علیه بحث شده است که ضمانتی در پی ندارد (گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۲)، محشای قانون مجازات اسلامی، ص ۶۳؛ اردبیلی، محمدعلی، همان، ص ۲۷۲ به بعد).

سایه این دکترین تفسیر و احراز کرد. وانگهی با اعمال دکترین یادشده، مسؤلیت ناشی از برخی آسیب‌ها را بر اساس ماده ۵۳۷ همان قانون می‌توان بر دوش زیان‌دیده نهاد. به این ترتیب، معیار مسؤلیت در یک حادثه ورزشی، نه نقض مقررات مربوط به ورزش، بلکه مخالفت حرکت ورزشکار با یکی از معیارهای روح بازی، قواعد بنیادین ورزشی و یا هر دو آن‌ها با در نظر گرفتن همه شرایطی خواهد بود که حادثه در آن شرایط به وقوع پیوسته است. نکته‌ای که به نظر نگارندگان برای رفع ابهام و سردرگمی در تشخیص مسؤلیت می‌توان و باید به آن توجه داشت، این است که در صورت نقض قواعدی از بازی که برابر مقررات آن بازی مستلزم اخراج است، باید مرتکب را مسؤل دانست؛ مگر اینکه او بتواند با توسل به دلایل دیگر حرکت خود را توجیه کند.^۱ بدین‌سان صرف نقض قواعد بازی، بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی لازم برای احراز تقصیر^۲ را فراهم نمی‌کند. لذا «نقض وظیفه رعایت قواعد بازی مساوی با نقض وظیفه صدمه زدن به دیگری نیست». در نتیجه این بحث می‌توان گفت اگرچه در حقوق موضوعه معیار مسؤلیت قابلیت انتساب عمل زیان‌بار به خواننده است، اما مبنای انتساب همان تقصیر است و در واقع در مسؤلیت ورزشی (ورزشکاران در برابر هم) عمل زیان‌بار به مقصر متناسب می‌شود.

۳. پذیرش خطر و تأثیر آن بر مسؤلیت مدنی ورزشکار واردکننده زیان

۳.۱. مفهوم خطر و انواع آن در فعالیت ورزشی

در اینکه هر فعالیت ورزشی برخی خطرها را به دنبال دارد، تردیدی نیست؛ اگرچه نوع و میزان این خطرها به تناسب نوع ورزش متفاوت است. این جمله به‌خوبی ویژگی‌های فعالیت ورزشی را نشان می‌دهد: «یکی از چیزهایی که ورزش را از سایر فعالیت‌های بشر متمایز می‌سازد [می‌تواند] این باشد که شرکت‌کنندگان در آن آزادند غیرمعمول و نامتعارف باشند» (Yasser, 1985, p.28)؛ در واقع خطر در ورزش ذاتی است (Fast, 2004, p.6&7) و در همین راستا گفته شده است: «حوادث ورزشی خطرات ضروری و اجتناب‌ناپذیری را دربر دارد... ارزش

۱. پرسش فرعی که در اینجا پدیدار می‌شود، این است که تصمیمات داور در مسابقه یا کمیته‌های انضباطی چه تأثیری در تصمیم دادگاه خواهد داشت و به عبارتی دیگر، آیا چنین تصمیماتی دادگاه را مقید خواهد نمود. به نظر می‌رسد از آنجا که با طرح دعوا نزد دادگاه دعوا با همه عناصر موضوعی خودش نزد داورس مطرح می‌شود، دادگاه موضوع را از جنبه حقوقی بررسی خواهد کرد؛ اگرچه ممکن است در اتخاذ تصمیم، تصمیمات مراجع یادشده را هم ملحوظ بدارد. بدیهی است که رسیدگی دادگاه، مستقل از کمیته‌ها، با توجه به ماهیت مدنی و انضباطی ضمانات اجراهای این دو، با مانعی دست‌کم از این نظر مواجه نخواهد بود.

۲. تبصره ماده ۱۴۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ش: «تقصیر اعم از بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی است. مسامحه، غفلت، عدم مهارت و عدم رعایت نظامات دولتی و مانند آنها، حسب مورد، از مصادیق بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی محسوب می‌شود».

ورزش‌ها از برخورد، سرعت، تلاش و تماس‌های فیزیکی که ذاتی آن‌ها است مشتق می‌شوند. تصادفات و اتفاقات بهایی است که توسط ورزشکار یا تماشاگر برای منافع ورزشی پرداخت می‌شود» (Barnes, 1996, p.276).

یکی از دفاعیات مهم، بلکه مهم‌ترین دفاع در دعاوی مسئولیت ورزشی، پذیرش خطر از سوی زیان‌دیده است؛ اما چگونه خطری؟ به نظر می‌رسد خطر ورزشی را باید سه گونه دانست؛ خطر ذاتی، عادی و غیرعادی. خطر ذاتی را باید خطر آشکار دانست که شرکت‌کننده در یک فعالیت ورزشی به آن آگاهی دارد یا باید داشته باشد. از یک دیدگاه اینکه چه خطری ذاتی ورزشی شمرده می‌شود، شاید بتوان گفت که قواعد بازی - نه به‌طور قاطع - می‌توانند این خطرها را تعیین کنند^۱. این راهکار مشکل را چاره نمی‌کند، زیرا مشخص نیست کدام قواعد بازی خطرهای ذاتی را مشخص می‌سازد؛ چراکه بر هر ورزشی مجموعه قواعد مختلفی حکومت می‌کند که راجع به خطاها و حرکات مختلف ورزشی است^۲. در جایی دیگر خطرهای ذاتی این‌گونه تعریف شده‌اند: «خطرات ذاتی خطراتی هستند که با اعمال مراقبتی معقول قابل اجتناب نباشند» (Healey op.cit, p.97). این تعریف برخلاف تعریف نخستین بر پایه قابلیت پیشگیری استوار است، اما به نظر می‌رسد آگاهی داشتن یا نداشتن معیار مناسب‌تری باشد، زیرا بنای ما بر این است که مسئولیت را بر این اساس تعیین کنیم؛ آن‌چنان که در دکتربین پذیرش خطر از آن سخن گفته می‌شود^۳. خطر غیرعادی را می‌توان خطر غیرقابل پیش‌بینی دانست که یک ورزشکار متعارف به‌هیچ‌وجه انتظار آن را ندارد. در این میان خطری عادی است که هر بازیکن، به تناسب اوضاع و احوال، کم‌وبیش انتظار آن را می‌کشد؛ به‌گونه‌ای

1. Mcnamara V.Duncan(1979) 26 ALR 584

۲. در ایالات متحده آمریکا، کالیفرنیا کانون تحول اصول فنی مسئولیت مدنی در تطبیق با ملزومات فعالیت‌های ورزشی از جمله خطرهای ذاتی بوده است؛ آنجا که در دعوی معروف Knight V.Jewett دادگاه عالی ایالتی، شرکت‌کنندگان در فعالیت ورزشی را در صورت تجاوز از مرزهای رفتار معمولی در ورزش، مسئول می‌شناسد (1992) (cal. 1992) 834 P. 26 696. این رویه از سوی دادگاه‌های کالیفرنیا به ورزش‌های غیرتماسی مانند گلف نیز تسری داده شده است. در دعوی shin V.Ahn(2007)، که در آن Ahn در بازی گلف به توپ ضربه زد و توپ با تغییر جهت به سر Shin خورد، دادگاه پژوهش کالیفرنیا چنین نتیجه گرفت که Ahn وظیفه داشت پیش از ضربه زدن وضعیت Shin را در نظر بگیرد که در این خصوص کوتاهی کرده است و از طرفی خطری که در اثر آن Shin آسیب دیده است، خطر ذاتی ورزش گلف نیست، بلکه کوتاهی Ahn خطر این ورزش را افزایش داده است (Shin V.Ahn 165 P.3d 581 lcul 2007).

۳. اگرچه ممکن است به‌درستی تردید شود که ذاتی بودن امری موضوعی است نه حکمی، اما ایرادی ندارد اگر قابلیت آگاه شدن را معیار توصیف ذاتی بودن قرار دهیم؛ زیرا درنهایت باید از منظر بیرونی به ماجرا نگریست و برداشتی از خطرهای عملیات ورزشی داشت. آگاهی در اینجا آنچه را در واقعیت رخ می‌دهد توصیف می‌کند. در کنار اصطلاح خطرهای ذاتی از خطرهای آشکار «Obvious risks» نیز نام برده می‌شود. برابر ماده (1) 5F قانون مسئولیت مدنی New South Wales، «خطر آشکار، نسبت به شخصی که صدمه‌دیده خطری است که، مطابق اوضاع و احوال، برای یک شخص معقول در موقعیت او آشکار باشد».

که می‌توان آسیب‌های احتمالی این گونه خطرها را نه ذاتی و طبیعی دانست و نه غیرقابل پیش‌بینی و غیرطبیعی، بلکه این آسیب‌ها در واقع ناشی از بی‌احتیاطی است؛ اگرچه این معیار نیز خود می‌تواند موجب خلط دسته‌آخر با اولی شود. به همین دلیل، اگر گفته شود معیارهای یادشده نمی‌توانند به‌گونه‌ای دقیق مرز میان انواع خطر را مشخص کنند، پر بیراه نیست؛ زیرا صرف نظر از آنکه خطر ورزش چندان زیاد است که نمی‌توان همچون خط‌کشی زمین بازی به تفکیک آن‌ها پرداخت، اصولاً تشخیص این تمایزات به‌گونه‌ای معقول تنها در پرتو فهم دکترین پذیرش خطر^۱ ممکن است. آنجاست که در پی یافتن پاسخ به مسئله تعیین دامنه شمول این دکترین، اهمیت آن تمایزات و نوع خطرها روشن‌تر می‌شود. بر اساس آنچه گفته شد، این نتیجه گرفته می‌شود که خطر ذاتی هر ورزش، از آنجا که در ذات و ماهیت آن فعالیت است، مسؤولیتی در پی ندارد؛ زیرا عقل بشری این گونه خطرها را همانند خطرهای عادی زندگی بشر می‌داند و پیداست که هیچ‌کس به دلیل خطرهایی که ذات زندگی بشر به وی تحمیل می‌کند، مسؤولیتی ندارد. این گفته البته نه به معنای ضروری بودن ورزش برای بشر، بلکه برای تشبیه خطرها به دلیل ذاتی بودن آن‌ها در هر دو فعالیت است. بر این مبنا در بحث از مسؤولیت راجع به آسیب‌های ناشی از این خطرها، سخن از بی‌احتیاطی منتفی است؛ این‌گونه آسیب‌ها مسؤولیتی به‌بار نمی‌آورند.

۳.۲. تأثیر پذیرش خطر بر مسؤولیت مدنی ورزشکار واردکننده زیان

نظریه پذیرش خطر به‌طور کلی این را می‌گوید که اگر شخصی داوطلبانه به کاری دست زد که در آن خطر صدمه وجود دارد، گفته می‌شود که آن خطر یا خطرها را پذیرفته است.^۲ در کامن‌لا، در گذشته، چنین شخصی به‌طور کلی از جبران خسارت محروم می‌شد، اما اکنون این رویه دنبال نمی‌شود و پذیرش خطر در محاسبه میزان خسارت مؤثر است (Edwards and..., 2009, p.227). در حوزه مسؤولیت ورزشی یکی از مهم‌ترین و متداول‌ترین دفاعیات که از سوی خوانندگان مطرح می‌شود، پذیرش خطر است؛ زیان‌دیده خود خطر صدمه دیدن را پذیرفته است.^۳ وضعیت دفاع پذیرش خطر به وجود سه شرط وابسته است: ۱. شرکت مؤثر در یک فعالیت ورزشی^۴ به معنای حضور در بازی بر اساس قواعد عام آن بازی؛ ۲. آگاهی از خطر

1. Assumption Of Risk- Acception Du Risque

۲. این تئوری به دکترین «آنچه پذیرفته می‌شود ناعادلانه نیست» نیز معروف است: < Volenti non fit injuria >

۳. در دعوی Harris V. cherry valley- springfield school district، دادگاه رأی داد که بازیکن بیس‌بال یک دبیرستان که در اثر پرتاب توپ از یک دستگاه پرتاب توپ از ناحیه چشم آسیب دیده، خطر آن نوع صدمه را پذیرفته است (760 N.Y.S 2d 768 (N.Y.APP.Div.2003)).

4. La Participation effective a une activite sportive

به وجود آمده^۱؛ ۳. خطر پذیرفته شده و به طور عادی رخ داده باشد و از این رو اگر هریک از این شرایط به هر دلیلی مفقود باشد، تئوری پذیرش خطر اجرا نخواهد شد (Lapouble, 1999, p.181). پذیرش خطر می تواند صریح^۲ یا ضمنی^۳ باشد؛ اگرچه معمولاً به طور ضمنی از اوضاع و احوال خاص هر دعوا قابل استنباط است (Beloff, 1999, p.122). اما خطرهایی که به موجب این نظریه پذیرفته می شوند، کدامها هستند؟ آیا این خطرها را باید آنهایی دانست که ذاتی نام نهادیم یا چیزی فراتر از اینها مورد نظر است؟ می توان بر این عقیده بود که در نظریه پذیرش خطر، مقصود فراتر از خطرهای ذاتی ورزشی است؛ چه در غیر این صورت، خلط و وحدت دکترین خطرهای ذاتی و پذیرش خطرهای پیش خواهد آمد و حال آنکه نظریه پذیرش خطر وقتی پیش کشیده می شود که خطر پیش آمده، نه ذاتی بلکه در نگاه نخست غیرقابل قبول باشد (Schot, 2005, p.5)؛ این در حالی است که در خصوص آسیب های ناشی از یک خطر ذاتی اصولاً نیازی به پیش کشیدن نظریه پذیرش خطر نیست و از همین روست که دفاع پذیرش داوطلبانه خطر در کامن لا برخلاف دفاع خطرهای ذاتی، کمتر موفقیت آمیز بوده است (Fast, 2004, p.7-9). از میان سه گونه خطری که در ورزش شناختیم (خطر ذاتی، خطر عادی و خطر غیرعادی)، نظریه پذیرش خطر، گروه دوم را دربر می گیرد؛ خطرهایی که ذاتی ورزش نیستند، اما غیرعادی نیز تلقی نمی شوند. خطرهای غیر ذاتی چون در تحلیل حاضر در حیطه آگاهی در نمی آیند، نمی توانند به صرف استناد به نظریه یادشده بدون ضمان بمانند. خطرهای غیرعادی آنهایی هستند که به رفتارهایی مسئولیت آور مربوط می شوند و بحث از آنها به بحث راجع به معیار مسئولیت در حادثه ورزشی پیوند می خورد. پیش تر از معیارهای مسئولیت سخن گفتیم؛ در اینجا اضافه می کنیم به طور خلاصه دو معیار برای کنار گذاشتن دکترین مورد بحث ارائه شده است: نخست معیار بی احتیاطی^۶ و دیگری بی توجهی نسبت به سلامت و امنیت^۷. برابر معیار نخست، اگر آسیب ناشی از بی احتیاطی بازیکن باشد، دفاع پذیرش خطر رد خواهد شد و در ارزیابی بی احتیاطی نیز اگرچه دو معیار نوعی و شخصی را می توان مبنا قرار داد، در نهایت

1. La conscience du risque encouru.

2. Express

3. Implied

۴. صریح یا ضمنی بودن پذیرش خطر را لرد دنینگ (lord Denning) در دعوی cummings V. Grainger اشاره و آن را تأیید کرده است (1 All ER104 {1977}). همچنین تحلیل پذیرش ضمنی خطر بر حسب اینکه ورزشکار حرفه ای یا غیر حرفه ای باشد، متفاوت است (Eswads and., 2009, p.229 &230).

۵. دادگاه عالی آلمان البته تئوری پذیرش خطر را به اصل کلی حسن نیت (Good faith- Treu and Glauben) پیوند داده است: اگر خواننده به طور عمومی یا با بی احتیاطی رفتار کرده باشد، او نمی تواند با حسن نیت به دفاع پذیرش خطر متمسک شود (BGH 5 november 1974, BGHZ 63.740, 144= NJW 1975 109,110).

6. Negligence

7. Reckless disregard for the health and safety

آزمونی قابل اعمال دانسته شده است که در عین داشتن درجه‌ای از ثبات، این امکان را فراهم سازد تا استلزامات ورزش‌های مختلف و نیز انتظارات بازیکنان با سطوح مختلف مهارت نیز در نظر گرفته شود (James, 2001, 698&700). بر اساس معیار دوم، هر بازیکن نسبت به سایر بازیکنان وظیفه‌ای قانونی مبنی بر رعایت امنیت آن‌ها برعهده دارد و از این رو دادگاه‌ها بازیکن را در صورتی مسئول می‌دانند که رفتار او نشان‌دهنده بی‌توجهی عمدی، آگاهانه یا همراه با بی‌احتیاطی نسبت به دیگر بازیکنان باشد و به ورود آسیب به آن‌ها منجر شود (Wong op.cit, p.107). نقدهایی بر هر یک از این دو وارد شده است؛ از جمله اینکه معیار اخیر تفاوت میان مسؤولیت ناشی از خطا^۱ و جرم^۲ را نادیده می‌گیرد و مرز این دو را محو می‌کند؛ با این حال، اگر همه اوضاع و احوال در هر دو معیار لحاظ شود، تفاوت اندکی میان آن‌ها باقی خواهد ماند (James. op.cit, p.705). نکته شایان ذکر آنکه اگرچه در بسیاری از نوشته‌ها دکترین پذیرش خطر با در نظر گرفتن همه شرایط درباره تمام ورزشکاران قابل اعمال دانسته شده است، اما برخی پیشنهاد داده‌اند که حوزه اعمال آن به ورزشکاران حرفه‌ای محدود شود و دیگران را دربر نگیرد؛ زیرا میان حرفه‌ای‌ها و کسانی که فعالیت‌های (ورزش‌های) مدرسه‌ای می‌کنند، به لحاظ تجربه بیشتر در بازی کردن و به تبع آن، درک و فهم نسبت به ماهیت بازی و آگاهی از خطرهای آن، تفاوت وجود دارد (Hess, 2002, p.475 and al). این نظر بنا بر آنچه گفتیم قابل قبول به نظر نمی‌رسد؛ زیرا اگر معیار، پذیرش خطر است و در ارزیابی نیز همه اوضاع و احوال در نظر گرفته می‌شود، هیچ توجیهی برای خروج ورزشکاران غیرحرفه‌ای از شمول دکترین یادشده وجود ندارد؛ به‌ویژه آنکه قواعد یک بازی باید برای همه شرکت‌کنندگان یکسان باشد و در غیر این صورت چون دست‌کم برای تشخیص حرفه‌ای از غیرحرفه‌ای نکات بسیاری را باید در نظر گرفت و این نکات بی‌شک در همه افراد با یکدیگر متفاوت است، راه برای دفاعیات مبتنی بر ویژگی‌های شخصی باز خواهد شد.

چند نکته را در خصوص پذیرش خطر نباید از نظر دور داشت: نخست آنکه دکترین پذیرش خطر با دکترین بی‌احتیاطی اشتراکی^۳ مربوط است (Van Dam, op.cit, p.213) تا آنجا که پذیرش خطر گاهی شکلی از بی‌احتیاطی اشتراکی دانسته می‌شود (Eswards and ..., op.cit, p.224)، اما میان این دو تفاوت وجود دارد؛ از جمله اینکه برخلاف بی‌احتیاطی اشتراکی، پذیرش خطر هم در موارد مسؤولیت محض^۴ و هم بی‌دقتی^۵ پذیرفته می‌شود (Ibil, p.228).

-
1. Tort
 2. Crime
 3. Contributory Negligence
 4. Reckless
 5. Strict liability

دیگر آنکه باید توجه داشت که نظریه‌های خطر ذاتی و پذیرش خطر در مسائل جزایی اعمال نمی‌شوند (Schott, 2005, p.6).

۴. نتیجه

وقتی بحث بر سر مسئولیت ناشی از یک حادثه ورزشی است، باید آن فعالیت ورزشی را که حادثه در آن رخ داده است، تفسیری موسع کرد تا هر نوع فعالیت ورزشی اعم از مسابقه‌ای، تفریحی، حرفه‌ای یا غیرحرفه‌ای و یا در ورزشگاه یا خارج از آن را شامل شود. حادثه‌ای که حقوق از چند جهت بر سر آن سایه افکنده، یک روی آن قواعدی است که به نحوه اداره بازی و خطاهای ورزشی مربوط می‌شوند که در وضع آن‌ها بیش از آنکه حاکمیت‌ها دخالت کنند، فدراسیون‌ها و سازمان‌های بین‌المللی نقش دارند. اما اینکه نقض این قواعد آیا روی دیگر حکومت حقوق- که همان قواعد راجع به ضمانت اجرای جبران خسارت هستند- را نمایان می‌سازد یا خیر، به دو ویژگی برجسته فعالیت ورزشی بستگی دارد و پاسخ خود را در آینه این دو می‌بیند؛ نخست اینکه هر ورزش در ذات خود خطرهایی دارد و دوم آنکه هر کسی که در فعالیتی ورزشی شرکت می‌کند، خطرهایی را که در آن ورزش می‌تواند باعث آسیب شود، می‌پذیرد. این پذیرش از خطرهای استقبال‌شده، حتی آن‌هایی را که با نقض قواعد بازی ایجاد می‌شوند، دربر می‌گیرد؛ پس به صرف تجاوز از یک قاعده بازی نمی‌توان متجاوز را مسئول شناخت. اما همان‌گونه که هر نقض قاعده‌ای ضمان‌آور نیست، همه نقض‌ها و یا به دیگر سخن، نقض همه قواعد نیز بدون ضمانت اجرا نیست. آنجا که قواعد ایمنی بازیکنان نقض می‌شود یا حرکت انجام‌شده به‌طور کلی خارج از قواعد یا برخلاف روح بازی صورت می‌گیرد، مرتکب مسئول صدمات خواهد بود و البته در احراز این مسئولیت همه اوضاع و احوال حادثه، به‌ویژه نوع ورزش مورد بحث و حرفه‌ای یا غیرحرفه‌ای بودن ورزشکار و تجربه او نقش تعیین‌کننده خواهد داشت. این معیار که می‌توان آن‌را معیار فراتر از نقض قواعد بازی نامید، در دیگر کشورها از سال‌ها پیش از سوی رویه قضایی پذیرفته شده است. به این ترتیب، مبانی مسئولیت ورزشکاران تحت تأثیر دکترین پذیرش خطر و خطرهای ذاتی صورتی دیگر به خود می‌گیرد؛ به‌گونه‌ای که هم صدمه با توجه به اینکه ناشی از خطرهای ذاتی باشد یا نه و هم حق مطالبه جبران خسارت با مسئول نبودن عامل زیان با توجه به قبول آن از سوی زیان‌دیده متحول می‌شوند. نگارندگان بر این عقیده‌اند که این دیدگاه در حقوق ایران نیز بی پایه و اساس نیست؛ چراکه نظریه‌های خطر ذاتی و پذیرش خطر که پایه‌های اساسی این دیدگاه را تشکیل می‌دهند، به مرزهای یک یا چند کشور محدود نیستند و در همه فعالیت‌های ورزشی در دنیا قابل استنباط و درک هستند؛ به‌ویژه تحلیلی که نگارندگان از ماده ۴۹۲ ق.م.ا. ارائه کردند که

به سال‌ها مناقشه در باب ضرورت داشتن یا نداشتن تقصیر در مسؤولیت ناشی از تسبیب پایان داده و به‌صراحت قابلیت استناد را معیار مسؤولیت، ازجمله در آسیب‌های ناشی از فعالیت ورزشی، دانسته است. البته با در نظر گرفتن این مهم که این معیار به‌منزله نفی تقصیر به‌عنوان مبنای مسؤولیت نیست، بلکه تقصیر را در دل خود دارد و در مفهوم خاص، متناسب با مسؤولیت ورزشی، تقصیر در تحقق قابلیت استناد نهفته است. ملاحظه کردیم که نهاد دیه با خاستگاه سنتی خود اگرچه ظاهراً (در بحث ما) قواعد بازی را برهم می‌زند، اما مطابق تحلیل ما از ماده ۱۵۸ق.م.ا. و سطره قواعد عام ضمان بر مسؤولیت ورزشکاران، نقش دیه به بحث دیگری (ارزیابی میزان آسیب‌ها) منحصر می‌شود.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. آقایی‌نیا، حسین (۱۳۹۲). حقوق ورزشی. چاپ دوازدهم، تهران: میزان.
۲. آقایی‌نیا، حسین (۱۳۷۸). مسؤولیت کیفری ناشی از عملیات ورزشی. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۴۶.
۳. اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۴). حقوق جزای عمومی. جلد اول چاپ چهل و دوم (ویراست دوم)، تهران: میزان.
۴. احسنی‌فروز، محمد (۱۳۹۱). حقوق ورزشی با نگرش به ورزش تکواندو. تهران: دادگستر.
۵. بادینی، حسن (۱۳۸۴). فلسفه مسؤولیت مدنی. با مقدمه دکتر ناصر کاتوزیان، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۶. جامیون جونیور، والترتی (۱۳۸۸). مبانی حقوق ورزش‌ها: مسؤولیت مدنی در ورزش. ترجمه حسین آقایی‌نیا، با دیباچه ناصر کاتوزیان، چاپ پنجم، تهران: دادگستر.
۷. شمس‌ناتری، محمدابراهیم (۱۳۹۲). قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی. تهران: میزان.
۸. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۲). الزام‌های خارج از قرارداد: ضمان قهری. دوره‌ی دو جلدی، چاپ سوم، انتشارات دانشگاه تهران.
۹. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۸). تحول مفهوم تقصیر در حقوق مسؤولیت مدنی. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۹ شماره ۱.
۱۰. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۰). مسؤولیت ناشی از عیب تولید (مطالعه انتقادی و تطبیقی در تعادل حقوق تولیدکننده و مصرف‌کننده). چاپ سوم، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۱. گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۴). بایسته‌های حقوق جزای عمومی (۱-۲-۳). چاپ دهم، تهران: میزان.
۱۲. گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۲). محشای قانون مجازات اسلامی. تهران: مجد.
۱۳. محمد زاده رهنی، محمدرضا (۱۳۸۷). بررسی فقهی حوادث و صدمات ورزشی. فقه و اصول فقه و تاریخ تمدن، شماره ۱۶.

ب) خارجی

14. Beloff Hon Michael J, Kerr Tim and Demetrio Marie, sports law, HART Publishing, oxford 1999.
15. Blackshow Ians, sport, mediation and Arbitration. T.M.C. Asser press. Netherland. 2009
16. Carbonnier Jean, Droit civil les obligations(T4), 22 ed, PUF. Paris 2000.
17. Davis, Timothy, what Is sports law?, Marquette sports law Review, 11:211-244(2001)
18. Edwards Linda L and J. standy and wells Patricia Kirtley, Tort law for legal Assistant, Delmar, USA 2009.

19. Epstein Adam, Teaching Torts With sports, Journal of legal studies Education, 28:117-142(2011).
20. Fast Katherine s, sports Liability law : A Guid For Amateur sports organization and Their insurers, Golden Wallace folick ^{11p}, 2004
21. Gearty C, Tort: liability for injuries incurred during sports and Pastimes, The cambridge law Journal, 44(3): 371-373(1985).
22. Harvard law Review, V 121 N4: 1253-1260(2008): Tort law: sports Torts. Colifornia supreme court extends Assumpition of Risk To Noncontact sports
23. Healey Deborah, sport and the law, unsw Press, 3th ed, Sydney 2005
24. Hess Lura, Sports and the Assumption of Risk Doctrine in new york, St. Johns Law Rewiew, 76(2):457-481
25. James Mark, Tort, Compensation and Alternative Dispute Resolution for Participator Violence, IN: Sports Law, Simon Gardiner, Caverdish publishing, Second Edition, London/Sydney 2001.
26. LaPouble Jean- Christophe, Droit du sport, L G. D. J, paris 1999
27. Osborne Barbara, Principles of Liability for Athletic trainers: Managing sports- Related concussion, Journal of Athletic training, 36(3): 316- 321.
28. Pepe Fredric and Frerich Thomas P. Injustice uncovered? Worker s compensation and the Professional Athlete, in: sports and the law (major legal cases), Edited by: Gharles E. Quirk, Garland Publishing. INC. Newyork London, 1996
29. Raymond L. Yasser. Tort and sports: legal Liability in Professional and Amateur Athleics, Praeger, 1985.
30. Reschly steven D, Torios Impact, in: sports and the law (major legal cases), INC. Newyork Edited by: Gharles E. Quirk, Garland Publishing London, 1996
31. Schot Natasha, Negaligent Liability in sport, Bond university. Sports law Journal(2005).
32. Siler William L . In Jeopardy(football Helmet manufacturers and wearers), in: sports and the law (major legal cases), Edited by: Gharles E. Quirk, Garland Publishing. INC. Newyork London, 1996.
33. Thornton Patrickk, sports law, Jones and Bartlett Publishers, USA, 2011.
34. Van Dam ccess, European Tort law, oxford university Press, 1ed 2006
35. Wong Glenn M, Essentials of sports law, Praeger, California 4th ed, 2010.